



حقوق بشر، موضوع داخلی و یا موضوع بین المللی؟

جناب محترم حقوقدان طلا پامیر

موضوع حقوق بشر، پس از خروج نیروهای خارجی از افغانستان و رسیدن تحریک طالبان افغانستان به قدرت، به بحث داغ میان جامعه بین المللی و حکومت سرپرست افغانستان تبدیل شده است. این موضوع یکی از موانع بر سر راه تعامل عادی سیاسی-دیپلماتیک جامعه بین المللی با حکومت سرپرست افغانستان نیز است. منظور من از جامعه بین المللی سازمان ملل متحد در وجود اعضای آن سازمان است. مشکل در کجاست؟

- از دید من، جامعه بین المللی و حکومت سرپرست افغانستان در دو مورد اساسی با هم اختلاف جدی دارند: نخست- اختلاف در فهم حقوق بشر.

- حکومت سرپرست افغانستان به این باور است که حقوق بشر مجموعه از حقوق و آزادی ها است که خداوند (ج) در قرآن شریف مشخص و پیامبر اسلام آن را بیان و تفسیر کرده است (حدیث) موارد که برای آن در قرآن شریف و حدیث حکم صریح وجود نداشته باشد به "اجماع" و "قیاس" حواله می شوند. به بیان دیگر، حقوق بشر از دید حکومت سرپرست افغانستان، مجموعه از حقوق و تکالیف است که در شریعت اسلام (قرآن، حدیث، اجماع و قیاس) برای مرد و زن تعیین شده است. در مورد اجماع و قیاس به مثابه منابع فرعی حقوق اسلام هرچند میان علمای اسلام در موارد معین تفاوت نظر وجود دارد اما امیر (اهل سنت) و امام (تشیع) حرف آخر را می زند و پیروی از احکام امیر واجب است.

- جامعه بین المللی، حقوق بشر را به کدام دین خاص (عیسوی و یهودی، هندو و اسلام به گونه مثال) ربط نمی دهد. از دید جامعه بین المللی، حقوق بشر مجموعه از موازین قبول شده بین المللی (موافقتنامه ها- عهد نامه ها میان کشورها) در بخش حقوق و آزادی های افراد در هر جا و در هر زمان است. به بیان دیگر، حقوق بشر بخش از حقوق بین المللی مندرج موافقتنامه های چند جانبه (مثاق ها و کنوانسیون های بین المللی) میان کشورهای مستقل و دارای حاکمیت است.

دوم- اختلاف در این که حقوق بشر موضوع صلاحیت داخلی است و یا موضوع صلاحیت بین المللی:

- حکومت سرپرست افغانستان به این باور است که حقوق بشر یک موضوع کاملاً داخلی است. هر حکومت کشور مستقل و دارای حاکمیت حق صلاحیت دارد که چگونگی، حدود و ثغور حقوق و آزادی های اتباع و نیز مکلفیت های اتباع خویش در قلمرو زیر حاکمیت بدون مداخله دیگران تعیین و تعمیم کند.

- از دید جامعه بین المللی، تعیین حقوق و آزادی ها و مکلفیت های اساسی اتباع هر کشور هرچند موضوع داخلی است اما، دولت ها در تعریف و تعیین رژیم حقوقی اتباع خود باید مکلفیت های بین المللی خوش در بخش حقوق بشر را که خود به طور داوطلبانه بر عهده گرفته اند، در نظر گیرند و نقض نکنند.

حق به جانب کیست؟

از دید حقوق بین المللی موضع حکومت سرپرست افغانستان تا آنجا درست است که تعیین رژیم حقوقی اتباع " اساسا " موضوع و صلاحیت داخلی است. هر دولت حق دارد که رژیم حقوقی اتباع خویش را در قانون ملی (قانون اساسی و یا قانون اختصاصی) تعریف و تعیین کند. این حق از اصل برتری حاکمیت (sovereignty) دولتی کشورها ناشی می شود اما، دولت ها در تعریف و تعیین رژیم حقوقی اتباع خود باید تعهدات و مکلفیت های بین المللی خوش در بخش حقوق بشر را که خود به طور داوطلبانه بر عهده گرفته اند، در نظر گیرند و نقض نکنند. بنا بر این، حقوق بشر تنها موضوع داخلی نیست و جامعه بین المللی حق دارد که از دولت های عضو سازمان ملل متحد بخواهد که تعهدات بین المللی خویش را بر اساس اصل کهن حقوقی تعاملی " Pacta sunt servanda " که در منشور سازمان ملل متحد نیز بازتاب یافته است، صادقانه و بدون تهمانه جویی ها مذهبی و فرهنگی اجرا کند. این خواست مداخله در امور داخلی کشورها شمرده نمی شود.

بر اساس ماده ۲۷ کنوانسیون ویانا در باره حقوق موافقتنامه های بین المللی (۱۹۶۹) که در سال ۱۹۸۰ اجرایی شد، " یک طرف معاهده بین المللی نمی تواند به حقوق (قانون) داخلی خود به مثابه توجیهی برای کوتاهی و عدم اجرای معاهده استناد کند." برخی موافقتنامه های حقوق بشر و از آنجمله کنوانسیون جلوگیری از همه اشکال تبعیض علیه زنان از دولت های عضو (طرف) می خواهد که حقوق و تدابیر لازم برای رفع تبعیض علیه زنان مندرج این کنوانسیون را در قانون ملی خود تسجیل کنند و قوانین نافذ ملی را که با حقوق مندرج در کنوانسیون در تضاد باشند تغییر و یا تعدیل نمایند. به این ترتیب، موازین حقوق بشر مندرج موافقتنامه های بین المللی بخش از حقوق داخلی می گردند و از این طریق تحقق می یابند. به گونه مثال، در قوانین اساسی همه کشورها یک فصل به حقوق اتباع یا شهروندان اختصاص یافته که در آن حقوق و آزادی های اساسی بشر مندرج اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های حقوق بشر گنجانیده شده اند.

تغییر قدرت در یک کشور نیز دلیل برای خروج دولت افغانستان از معاهدات بین المللی و یا عدم اجرای این معاهدات از سوی حکومت سرپرست شده نمی تواند. اکثر معاهدات بین المللی حقوق بشر، خروج کشور های عضو (طرف) را از این معاهدات پیشبینی نمی کند.

- دولت افغانستان منشور سازمان ملل متحد که یک عهدنامه یا موافقتنامه عمومی (جهانی) است را پذیرفته است (امضا و یا تصدیق کرده) و از این رو، از امتیاز عضویت در سازمان ملل متحد و داشتن روابط سیاسی- دیپلماتیک، اقتصادی و فرهنگی با اعضای سازمان ملل متحد مستفید می شود. بنا بر این،

هر حکومت افغانستان مکلفیت دارد که اهداف و اصول مندرج منشور سازمان ملل متحد را تأیید و تعمیل کند در غیر آن عضویت سازمان ملل متحد و امتیازات عضویت در این سازمان را از دست می دهد؛ حق نمایندگی در این سازمان را نیز نخواهد داشت. حقوق و وجایب در حقوق بین المللی همانند حقوق داخلی دو روی یک سکه است. اگر یک دولت یا حکومت یک دولت ادعای حق دارد باید که وجایب (مکلفیت) خویش را نیز فراموش نکند.

- دولت افغانستان میثاق های بین المللی حقوق بشر (۱۹۶۶)، کنوانسیون حقوق سیاسی زنان (۱۹۵۳)، کنوانسیون جلوگیری از هر گونه تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)، کنوانسیون یونسکو در باره منع تبعیض در آموزش (۱۹۶۶)، کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازاتهای بی رحمانه، غیرانسانی یا تزدیلی (۱۹۸۴) و برخی اسناد دیگر بین المللی حقوق بشر را امضا و یا تصدیق کرده است. بنا بر این،

هر حکومت افغانستان مکلفیت دارد که این تعهدات دولت افغانستان در برابر جامعه بین المللی را اجرا کند.

با تأسف باید گفت که برخی احکام و فرامین حکومت سرپرست افغانستان و از آن جمله وضع محدودیت بر آموزش و پرورش دختران و کار زنان، وضع محدودیت بر تفریح، گشت و گزار زنان و همچنین مواد معین قانون امر بالمعروف و نهی از منکر که اخیرا توشیح شد، نه تنها که اصول منشور سازمان ملل متحد در بخش حقوق بشر بل همه میثاق ها و کنوانسیون های بین المللی حقوق بشر را که دولت افغانستان طرف آنست را به صورت آشکار و خشن نقض می کنند.

شاید احکام و فرامین حکومت سرپرست افغانستان مطابق شریعت باشند اما مطابق تعهدات بین المللی افغانستان نیست. موافقتنامه های بین المللی حقوق بشر نه بر اساس کدام دین و مذهب خاص استوار است و نه بر علیه هیچ دین و مذهب اند. این در واقع اجماع بین المللی میان کشورهای جهان با باور های مختلف دینی و مذهبی و فرهنگی است. همه کشورهای اسلامی طرف موافقتنامه های بین المللی حقوق بشر اند، برخی کشورهای اسلامی البته تحفظات شان را در این ویا آن موافقتنامه در حد که اصول بنیادی موافقتنامه ها را نابود نمی کنند، ارایه و ثبت کردند.

احتمالاً که رهبران حکومت سرپرست افغانستان منشور سازمان ملل متحد و موافقتنامه های بین المللی در بخش حقوق بشر را خوانده اند و تصور می کنند که این اسناد مغایر اساسات دین مبین اسلام اند؛ قانون غرب و جوامع غیر مسلمان است در حالی که چنین نیست.

عهدنامه های حقوق بشر با مشارکت مستقیم و نقش فعال کشورهای اسلامی تدوین و تصویب شده اند. مزید بر این، عهدنامه های حقوق بشر به کشورهای اسلامی و هر کشور دیگر در صورت تعارض این ویا آن مواد عهدنامه ها با ارزشهای دینی و ملی شان "حق تحفظ" می دهند.

موافقتنامه های بین المللی حقوق بشر "حقوق بشر" اصلاً به دین و مذهب کسی کار ندارد. هر فرد - بنی بشر را قطع نظر از دین و مذهب، موقف سیاسی و اجتماعی و اقتصادی، نژاد، زبان و جنسیت و تابعیت به مثابه انسان دارای کرامت ذاتی می داند که باید در هر زمان و در هر جا احترام شود. در ماده اول اعلامیه جهانی حقوق بشر که اساس میثاق های حقوق بشر را می سازد آمده است که: "تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند؛ همه دارای عقل و وجدان میباشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند."

اصل کرامت انسانی که حقوق بشر بین المللی بر آن بنا یافته است با ارشادات دین مبین اسلام "وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا.." و "لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ.." همخوانی دارد. برخی رسوم و رواج ها و آزادی های فراتر از موافقتنامه های بین المللی حقوق بشر که بر اساس قانون ملی به اتباع کشورهای اروپایی داده شده است را نباید با معاهدات بین المللی حقوق بشر که با مشارکت مستقیم کشورهای اسلامی تدوین و تصویب شده اند، به اشتباه گرفت.

حقوق بشر فحشا و فساد را ترویج نمی کند، حجاب زنان، آموزش و پرورش زنان در صنف ها و پرورشگاه های جدا از مردان را با توجه به باور های عمومی در یک کشور منع نمی کند. ماده دوم کنوانسیون یونسکو در باره آموزش ۱۹۶۶ دیده شود. کنوانسیون یونسکو به تساوی حقوق و فرصت های برابر برای زن و مرد در بخش آموزش و پرورش تأکید دارد نه بر بی حجابی و اختلاط مردان و زنان در صنف های آموزشی.

حقوق بشر بی دینی را تسجیل و تشویق نمی کند بل بر احترام به دین و مذهب و آزادی اجرای منا سک مذهبی و فرهنگی افراد بدون هرگونه تبعیض و تمایز تأکید می ورزد و "آکراه" در دین و مذهب را نمی پذیرد.

حکومت سرپرست افغانستان می تواند بگوید که منشور سازمان ملل متحد و تعهدات بین المللی دولت افغانستان را "گویا" بنا بر عدم مطابقت این اسناد با "تعبیر خاص" شان از شریعت نمی پذیرد. در این صورت باید مسئولیت تبعات این روش را نیز برعهده گیرد و نباید از جامعه بین المللی انتظار به رسمیت شناختن، شامل شدن در جامعه بین المللی و روابط عادی سیاسی - دیپلماتیک و اقتصادی و فرهنگی با جامعه بین المللی را داشته باشد. عضویت در سازمان ملل و چوکی نمایندگی افغانستان در سازمان ملل متحد را می خواهیم اما منشور سازمان ملل متحد، اهداف و اصول مندرج در آن را قبول نداریم. چنین چیزی ممکن نیست.

باتداوم چنین سیاست افغانستان زود یا دیر به انزوای کامل کشانیده خواهد شد؛ برخی کشورهای که اکنون با حکومت سرپرست افغانستان کم و بیش روابط دارند، ممکن است با گذشت زمان مایوس شوند و بر تعامل شان با حکومت سرپرست افغانستان تجدید نظر کنند. کنترل موثر یک حکومت برخاک یک کشور برای به رسمیت شناختن حکومت از سوی جامعه بین المللی کافی نیست. اجرای مکلفیت های بین المللی در کنار کنترل بر قلمرو کشور یکی از شرایط اساسی برسمیت شناختن حکومت ها است.

نقض روز افزون موازین قبول شده حقوق بشر به صورت کل، محدودیت دوامدار بر آموزش دختران و کار زنان، مداخله در زندگی خصوصی و طرز زندگی شخصی و چهره افراد، فشار بیش از حد بر جوانان از طریق وضع محدودیت ها بر سرگرمی های معمول در جامعه افغانستان و مجبور ساختن جوانان به طرز زندگی خاص (صورت وسیرت ملایمی) سبب خواهد شد که افغانستان از قشر تعلیم یافته و غیر طالب خالی شود.

گفتنی است که رعایت نکردن تعهدات بین المللی در بخش حقوق بشر به ویژه حقوق زنان بر برخی کار های خوب حکومت سرپرست افغانستان چون - پایان جنگ و تامین امنیت فیزیکی مردم، متحد ساختن افغانستان و اسقرار حاکمیت دولتی در سر تاسر افغانستان، پایان به بخشیدن به جزایر قدرت و سلطه جنگ سالاران و زورمندان، مبارزه موفق با فساد و مواد مخدر، تامین بودجه دولت هر چند در سطح پایین از منابع داخلی، حفظ ثبات پولی و راه اندازی برخی پروژه های مهم زیر بنایی طی سه سال گذشته سایه سنگین انداخته است.

رهبران حکومت سرپرست افغانستان نباید دچار این توهم شوند که ریکورد بد شان در بخش حقوق بشر (نقض تعهدات بین المللی) هیچ تبعات برای حکومت شان و افغانستان به صورت کل نخواهد داشت.

شک نیست که وضعیت حقوق بشر و اجرای تعهدات بین المللی در همه کشور های جهان قناعت بخش نیست اما نقض تعهدات بین المللی در بخش حقوق بشر به ویژه در بخش حقوق زنان از سوی حکومت سرپرست افغانستان بی نظیر است.

رهبران حکومت سرپرست افغانستان باید از سرنوشت حکومت تنظیم های مجاهدین و تجارب تلخ دور اول " امارت اسلامی " درس عبرت بگیرند که چگونه نادیده گرفتن تعهدات و مکلفیت های بین المللی افغانستان و پامال کردن حقوق و آزادی های مشروع مردم افغانستان باعث تباهی خود شان، فروپاشی تمام اساسات دولتی، جنگ داخلی همه علیه همه و سر انجام تجاوز خارجی و ۲۰ سال جنگ ویرانگر در افغانستان شد.